

دانشگاه فردوسی مشهد
کتابخانه مطبوعات و نشریات

۱۳۷۸ / ۴ / ۱۱
مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران
تاسیس ۱۳۵۸

دانشگاه فردوسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر علی شریعتی

پایان نامه

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

موضوع

تشیخ‌الانسان در آثار سعدی

استاد راهنما

دکتر سید محمد علوی مقدم

استاد مشاور

دکتر محمد مهدی ناصح

نگارش

محمد رضا حسنی جلیلیان

زمستان ۱۳۷۲



حروفچینی و صفحه‌آرایی کامپیوتری مؤسسه فرهنگی هنری سوژه ۸۳۵۲۵۱

۳۲۹۹/۲

۲۹۹۸۷

به مادر و آن همه مهربانی

۲۹۹۱۷

با سپاس از استادان ارجمندم

جناب آقای دکتر سید محمد علوی مُقدّم

و

جناب آقای دکتر محمد مهدی ناصح

فهرست مطالب و مندرجات

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار بخش اول فصل اول :
	شرح حال
۶	شناسنامه
۸	تاریخ تولد سعدی
۱۲	مولد و موطن سعدی
۱۳	خانواده سعدی
۱۶	مأخذ تخلص سعدی
۱۸	مذهب شیخ
۱۹	تاریخ وفات سعدی
۲۲	مسافرت‌های سعدی

	فصل دوم :
۲۸	دوران سعدی
۳۶	سعدی و حماسه
	فصل سوم :
۴۲	سخن سعدی
	فصل چهارم :
۵۰	دوگانگی در گفتار شیخ
	فصل پنجم :
۶۵	مدیحه سرایی
۷۸	ممدوحین سعدی
	فصل ششم :
۸۳	تصوف سعدی
۹۳	صفات اهل حقیقت
۹۷	ملامت
۹۹	نظریه وحدت وجود
۱۰۰	سماع
۱۰۳	کرامات بزرگان تصوف
۱۰۴	فناء فی الله
	فصل هفتم :
۱۰۷	عشق سعدی
۱۱۱	برخورد شیخ با ساده بازی
۱۱۲	شوق جانان

صفحه	عنوان
۱۱۵	ایثار
۱۱۷	روی زیبا (عشق انسانی)
۱۲۳	جدال عقل و عشق
	فصل هشتم :
	عقاید سعدی
۱۲۵	جبر
۱۲۹	روزی
۱۳۱	شفاعت
۱۳۲	توانگری یا درویشی
۱۳۲	زن
۱۳۵	انساندوستی
۱۳۹	تربیت
	بخش دوم : سیمای انسان در آثار سعدی
	فصل اول :
۱۴۵	انسان
۱۴۷	تعریف انسان
۱۵۰	انسان کامل
۱۵۲	انسان واقعی از نظر سعدی
	فصل دوم :
۱۶۲	انسان و خدا
۱۶۴	خداشناسی سعدی

۱۶۵	برخی روابط انسان آرمانی با خدا
	فصل سوم :
۱۶۹	انسان و دنیا
	فصل چهارم :
۱۸۵	انسان و دین
۱۸۶	توحید
۱۸۸	دلبستگی به دنیا
۱۸۹	مرگ
۱۹۳	عبادت
۱۹۵	یاد خدا، شرم از خدا
۱۹۶	توبه
	فصل پنجم :
۲۰۱	انسان و حکومت
	سیاست داخلی
۲۰۶	الف) وظایف پادشاه نسبت به رعیت
۲۱۴	ب) انتخاب دستیار و ...
۲۱۵	ج) نحوه عملکرد حاکم با لشکریان
۲۱۷	د) توجه به حال محکومین
۲۱۸	ه) رفتار با حکام، عاملان، کارگزاران و دبیران
۲۲۱	سیاست خارجی
۲۲۴	رفتار با اسرا
۲۲۴	رفتار با غریبان و بازرگانان

	فصل ششم:
۲۲۷	انسان و اجتماع
	فصل هفتم:
	اخلاق
۲۵۹	هوای نفس
۲۶۱	احسان
۲۶۵	سخاوت
۲۶۹	تواضع
۲۷۲	تکبر
۲۲۷	حرص و آز
۲۸۲	قناعت
۲۸۴	ریا
۲۸۷	غیبت
۲۹۱	سخن چینی
۲۹۶	فهرست منابع و مأخذ

اول دفتر به نام ایزد دانا

پیشگفتار

در بارگاه خاطر سعدی خرام اگر
خواهی ز پادشاه سخن داد شاعری

آنچه پیش روست حاصل کوششی است عاجزانه، برای ورود به «بارگاه خاطر سعدی» به بهانه
تصویری از سیمای انسان در آثارش. اکنون که به ماحصل این کوشش می‌نگرم اذعان دارم که «معانی
به آن لطیفی را از قالب کلمات به آن رسائی سلخ کردن و در قالب عباراتی نامفهوم نسخ کردن عین
مسخ کردن باشد» عملی که با وجود پرهیز بسیار مرتکب گشته‌ام. کلام شیخ را حاجت به توضیح
نبوده است و اگر توصیفی در این باره از زبان قلم من رفته است، بی‌شبهت به توصیفی زشت از
تابلویی زیبا نیست.

به بهانه رسم سیمای انسان آرمانی او در برابر کاخ بلند سخنش به نظاره نشستم از ملاحظت

«نمکدان شعرش» به وجد آمدم و از حلاوت «قند پارسی» کلماتش کام جان شیرین کردم. رفته بودم که انسان را در آثارش بیابم؛ خود را گم کردم، چون بخود آمدم انبوهی کاغذ در برابرم بود که بر هریک بیتی و گاه چند بیتی و یا مضمون حکایتی نوشته بودم. آنگاه حیرتم دو چندان شد، حریف کسی بود که از سویی «رب النوع زبان فارسی» و از سویی جامع تمام پیچیدگیهای انسان بود. فراهم می‌نشستم تا نظراتش را کنار هم بگذارم، باشد که به نتیجه‌ای رسم به ناگاه بوی غنچه بیتی دامن از دستم می‌ربود. آنگاه بود که پی بردم «همه گویند و سخن گفتن سعدی دگر است» چه معنی دارد.

حاصل این شور و التهاب پراکنده‌گویی بود ناچار هزارگاهی در سایه راهنمایی استادام می‌دویدم و الحق که کلام متینش چراغ راه و باعث آرامشم بود.

ناچا رسعی کردم دامن از دست گیرایی کلام شیخ رها کنم؛ این بار آثار شیخ را برای یافتن موضوعات مربوط به انسان مطالعه کردم پس کل بوستان بصورت فیش درآمد. گرچه جهان مطلوب سعدی را بیشتر در بوستان باید جست^(۱)، اما با صلاح‌الدین استاد گلستان و قصاید و غزلیاتش را نیز در حیطه کار آوردم. می‌خواستم بدانم اگر سعدی را حکیمی فرض کنیم که مدینه فاضله‌ای را تصور کرده است انسان برتر او در این مدینه چگونه انسانی است. برای پرهیز از تأثیر اندیشه دیگر حکما در حاصل کار از مقابله و مقایسه عقاید شیخ با آثار آنان اجتناب شد. در این تحقیق هدف آن بوده است که از لابلای حکایات و اشعار شیخ انسانی را تصویر کنیم که احتمالاً در تصور سعدی بوده است. «اگرچه برخی بر این اعتقادند که آثار او صرفاً ادبی هستند»^(۲) - چند عامل جنبی بر شفافیت این تصویر تأثیر داشتند، از جمله دوران زندگی شیخ، عقاید وی، مخاطبانش و هدف او از خلق آثار ارزشمند خود ناگزیر قبل از ورود به بحث اصلی بررسی چند مطلب که رابطه مستقیم با بحث انسان آرمانی داشت واجب می‌نمود. پس به ترتیب، سخن شیخ، دوران او، تصوف و عشق در

۱ - مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، بوستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، مرداد ۱۳۶۸، ص ۱۷

۲ - یان ریپکا، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه دکتر موسی شهابی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۴، ص ۳۹۴

نظرش، مدایح و عقاید وی مورد تتبع واقع شد، تا معلوم گردد این مسائل تا چه اندازه بر شمایل انسان آرمانی او تأثیر گذاشته‌اند. این مباحث به علاوه شرح حال مختصری از شیخ بزرگوار بخش اول کار را تشکیل می‌دهد، که با وجود دراز دامنی آنها به حدی که منجر به افزونی مقدمه بر متن شده است، وجود آنها را لازم بل ضروری می‌بینم، چرا که خیال می‌کنم در روشنگری قسمت اصلی رساله یعنی سیمای انسان در آثار شیخ سهم عمده‌ای دارند، در آن بخش تکلیف من با ابیات شیخ روشن تر بوده است، یعنی با این فرض قبلی که عقاید و دوران سعدی تا چه اندازه در معرفی انسان در نظر او تأثیر داشته‌اند به رسم سیمای انسان آن گونه که شیخ دیده است پرداخته‌ام.

در آن بخش ابتدا تعریفی مختصر از انسان ارائه گردیده است. سپس با استناد به ابیات شیخ رابطه این انسان با خدا، دین، دنیا، خانواده، حکومت و در بخشی نیز اخلاق انسان آره‌انی از دیدگاه سعدی بررسی شده است.

در این بخش اخیر چون کلام شیخ اجل چون همیشه رسا و گویا بوده است جرأت آوردن کلام در کلام او به خود نداده‌ام و بیشتر به ذکر ابیات و سخنان او در هر مورد بسنده شده است نیز برای پرهیز از اطناب در هر مورد تنها به ذکر چند نمونه اختصار شده است.

مسلم در این راه بسیار لغزیده‌ام و بزرگانی که این وجیزه در نزد آنان شرف مطالعه می‌یابد انشاء... خطاها را به ذیل کرم می‌پوشانند و به کج رویها به چشم اغماض خواهند نگرست، که؛ اِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا.

به ناچار حشوش بود در میان	قباگر حریر است و گر پرنیان
کرم کارفرمای و حشوم بپوش	تو گر پرنیانی نیابی مجوش
به در یوزه آورده‌ام دست پیش	ننازم به سرمایه فضل خویش
بدان را به نیکان ببخشد کریم	شنیدم که در روز امید و بیم
به خلق جان آفرین کارکن	تو نیز اربدی بینیم در سخن

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ

نفس می نیارم زد از شکر دوست که شکری ندانم که در خورد اوست
 عطائی است هر موی از او بر تنم چگونه به هر موی شکری کنم؟
 ستایش خداوند بخشنده را که موجود کرد از عدم بنده را

پس از سپاس به درگاه ایزد منان، زحمات استاد فاضل و انسان کامل جناب آقای دکتر سید محمد علوی مقدم در طول راهنمایی این رساله و در طی دوره فراموش ناشدنی و غیر قابل جبران است. گاه و بیگاه با وجود اشتغالات فراوان مصدع اوقات شریفشان شده‌ام و الحق که همیشه با صبر و متانت بی نظیر پذیرا و راهنمایم بوده‌اند، کاستی‌های این رساله متوجه این بنده و اگر نکته قابل توجهی در آن موجود است از برکت توجه و راهنمایی‌های آن استاد ارجمند است.

استاد مهربان جناب آقای دکتر محمد مهدی ناصح با قبول مشاورت این پایان نامه و راهنمایی و صیانت از لغزش بیش از حد، مرا مرهون لطف و محبت خویش ساخته‌اند.

وظیفه خود می‌دانم از تمام معلمین از نخستین آموزگار تا آخرین استادانم تشکر و قدردانی کنم. از خداوند منان برای رفتگان غفران بیکران و برای بازماندگان نشان عمر با عزت خواستارم. چه بسیارند بزرگانی که بار محبت‌هایشان بر پشتم سنگینی می‌کند، عزیزانی که تا به امروز به وجوه مختلف موجبات تحصیل این جانب را فراهم آورده‌اند. در مقابل آن همه محبت‌ها تنها می‌توانم گفت: «سپاسگزارم»، دست یکایکشان را می‌بوسم.

در پایان از زحمات دوستان هنرمندم در مؤسسه هنری سوژه آقای هجرتی و خانم کریمی، که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی این پایان‌نامه به عهده ایشان بوده است قدردانی می‌شود.

در این پایان نامه پس از ابیات یک عدد ذکر شده است که نشانی آن بیت یا ابیات است

به شرح زیر:

(۱) (ب/عدد) = (بوستان / شماره صفحه)

کتاب مرجع: بوستان سعدی تصحیح مرحوم غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی،

چاپ سوم، ۱۳۶۸

(۲) (غب/عدد) = (غزلیات، بخش بدایع / شماره صفحه)

(غط/عدد) = (غزلیات، بخش طیبات / شماره صفحه)

(غخ/عدد) = (غزلیات، بخش خواتیم / شماره صفحه)

(غ/ق/عدد) = (غزلیات سعدی، بخش قصاید / شماره صفحه)

کتاب مرجع: غزلیات سعدی، تصحیح حبیب یغمایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات

علمی فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱

(۳) (ق/عدد) = (قصاید سعدی / شماره صفحه)

کتاب مرجع: کلیات سعدی، تصحیح مرحوم محمد علی فروغی، دوره چهارجلدی،

چاپ اقبال، چاپ اول، ۱۳۶۳، جلد چهارم

(۴) (گ/عدد) = (گلستان / شماره صفحه)

کتاب مرجع: گلستان سعدی، تصحیح مرحوم غلامحسین یوسفی، انتشارات

خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۸

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

فصل اول

شرح حال

شناسنامه

نام، کنیت و نام پدر سعدی از چند کلمه تشکیل شده است، که عبارتند از: مصلح، عبدالله، مشرف و محمد. اما هرکدام از منابعی که به معرفی شیخ پرداخته‌اند این کلمات را به گونه‌ای پس و پیش و با ذکر یا حذف اضافاتی بیان کرده‌اند. به نحوی که به سختی می‌توان دو منبع را یافت که، نام و القاب شیخ را یکسان ذکر کرده باشند.

(۱) مصلح یا مصلح‌الدین: گاه نام اوست و گاه نام پدرش و گاه لقب او.